

دارالفنون، بنایی معنوی و روح افزا

● احمد صافی*

اشاره

ساختمان دارالفنون نمادی فرهنگی و میراثی تاریخی است. طراحی ساختمان و اجزای آن، سازه‌ها و کاشی‌کاری‌هایش معانی و مفاهیم عمیق فرهنگی دربردارد. تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌تواند به شناخت بیشتر نگرش سازندگان آن کمک کند و روح عمیق حاکم بر آن را برای ما روشن کند. استاد احمد صافی در نوشته حاضر به بررسی پیام‌های کاشی‌های به کاررفته در این بنا پرداخته است..

مطالعه سیر تاریخی و تکوینی سازمان مدارس، یکی از نهادهای کهن جهان، از جمله در ایران، سابقه چندهزارساله دارد و این مهم حاصل تحولاتی است که در دوره‌های مختلف گذشته، در بافت و ساختار مؤسسات آموزش و پرورش پدید آمده است. با گسترش دامنه دانش‌ها و مهارت‌های بشری و توسعه فرهنگ و تمدن‌های مختلف، افزایش جمعیت و تراکم نفوس در شهرها و روستاها رفته‌رفته نوعی دخالت آگاهانه برای انتقال فرهنگ و تمدن به کودکان و نوجوانان ضروری شمرده شد. از این‌رو، ضمن توجه به سرعت رشد غیرعمدی جمعیت، ضرورت توجه به تربیت عمومی پدید آمد. سالمندان به مقاصد معینی به پرورش خردسالان و توجه به آنان پرداختند و کم‌کم برای انجام‌دادن وظایف تعلیم و تربیت به صورت رسمی و عمومی، بر اساس یک سری ضوابط، سازمان‌های متعددی را شکل دادند. در ایران علاوه بر آموزش در خانواده و مکتب‌خانه‌ها در مساجد، مدارس متعددی نیز تأسیس شدند که یکی از آن‌ها مدرسه «دارالفنون» بود.

دارالفنون نخستین مدرسه دولتی است که در تهران تأسیس شد و از دستاوردهای اندیشه ترقی خواهانه میرزا محمدتقی خان امیرکبیر، صدراعظم ناصرالدین شاه، بود. امیرکبیر

* کارشناسی ارشد مشاوره، دبیرکل سابق شورای عالی آموزش و پرورش

قبل از رسیدن به صدارت، در سفر خود به روسیه و دیدن کارخانه‌ها و مؤسسات فنی حرفه‌ای در آنجا و بازدید از مدارس جدید شهرهای تفلیس، مسکو و سن پترزبورگ به شدت تحت تأثیر پیشرفت‌های انجام‌شده، به‌ویژه در امور نظامی و آموزش فنی و حرفه‌ای، قرار گرفت. او در راستاری برنامه‌های اصلاح‌طلبانه خود در دوره صدارتش تأسیس دارالفنون را به ناصرالدین شاه پیشنهاد کرد.

در روزنامه وقایع اتفاقیه عنوان‌های گوناگونی مانند تعلیم‌خانه، مدرسه جدید، مدرسه نظامیه، مکتب‌خانه شاهی نیز برای این مدرسه ذکر شده است. امیرکبیر سنگ بنای مدرسه را از ضلع شمال شرقی ارگ آغاز کرد و طراحی آن را میرزا مهندس‌باشی انجام داد. در دو سالی که امیرکبیر عهده‌دار صدارت بود، نخستین گام‌ها برای پایه‌گذاری مؤسسات آموزشی برداشته شد که بعدها با نام دارالفنون شناخته شد. یکی از رؤسای دارالفنون اعتضادالسلطنه بود. او از زمان تشکیل وزارت علوم، در ۱۲۷۲ق، ۲۲ سال وزیر علوم بود. مدرسه دارالفنون از ۱۲۶۸ق تا امروز فرازونشیب‌های زیادی داشته و با توجه به قدمت و عمر ساختمان آن، بازسازی شده است. اکنون این مکان گنجینه مرکز اسناد وزارت آموزش و پرورش است و زیر نظر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قرار دارد. از اقدامات مهمی که هم‌اکنون صورت گرفته است راه‌اندازی مرکز اسناد و موزه تعلیم و تربیت در دارالفنون است. در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ در این مرکز علاوه بر بازدید دانشجویان و فرهنگیان و گردشگران داخلی و خارجی، وزارت آموزش و پرورش گردهمایی‌های مختلفی نیز تشکیل می‌دهد.

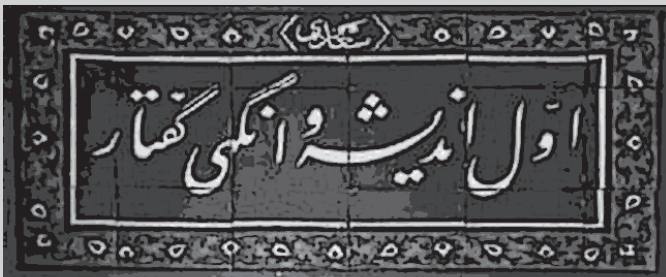
در طی سال‌ها تدریس در دانشگاه‌های مختلف توفیق یافتیم که در درس کارورزی و آشنایی با سازمان‌ها و تدریس دروس تاریخ آموزش و پرورش ایران، دانشجویان را با مدرسه



دارالفنون و نقش امیرکبیر و ویژگی‌های این مدرسه آشنا کنیم. مهم‌ترین دستاوردهای دانشجویان از دارالفنون آگاهی از تاریخ ۱۷۰ ساله آن، آشنایی با فضای فیزیکی و محوطه روح‌افزای آن، به‌ویژه اشعار و سخنان حکمت‌آمیز حک شده بر کاشی‌کاری‌های زیبا و نمای سردر دارالفنون بود که الهام‌گرفته از قرآن کریم و آثار ارزشمند علما و شعرا و برجستگان فرهنگ اسلامی و ایرانی است. این آیات و اشعار و سخنان حکمت‌آمیز عبارت‌اند از:

۱. هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون: آیا آنان که اهل علم و دانش‌اند با مردم جاهل نادان یکسان‌اند؟ (زمر: ۹)
۲. یوتی الحکمه من یشاء و من یوت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا و ما یدکر الا اولوا الالباب: خدای متعال حکمت را برای کسی که بخواهد می‌دهد و کسی را که خداوند حکمت می‌دهد، قطعاً خیر کثیری داده است و این حقیقت را متذکر نشوند مگر کسانی که صاحب فهم و درک و درایت‌اند (بقره: ۲۶۹).
۳. علم و حکمت کمال انسان است (سنایی).
۴. مکن بد به کس گر نخواهی به خویش (رودکی).
۵. هر آن کس که اندیشه بد کند/ به فرجام بد با تن خود کند
۶. ز نیرو بود مرد را راستی / ز سستی کژی آید و کاستی
۷. میازار موری که دانه‌کش است / که جان دارد و جان شیرین خوش است
۸. توانا بود هر که دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود
۹. عقل را عقل‌ها یاری دهند (مولوی).





۱۰. بنی آدم اعضای یکدیگرند (سعدی).
۱۱. جهان را همه چون تنِ خویش دان (فردوسی).
۱۲. هر چیز که در جستن آنی، آنی (بابا افضل).
۱۳. ستون خرد، بردباری بود (فردوسی).
۱۴. به فرهنگ باشد روان تندرست (فردوسی).
۱۵. ز گفتار و کردار بد مگذران (فردوسی).
۱۶. فرزند خصال خویشتن باش (نظامی).
۱۷. از امروز کاری به فردا ممان (فردوسی).
۱۸. هنر نزد ایرانیان است و بس (فردوسی).
۱۹. از ایران جز آزاده هرگز نخاست (اسدی طوسی).
۲۰. کوشا باشید تا آبادان باشید (انوشیروان).
۲۱. همه چیز به خرد نیازمند است و خرد به آزمون (انوشیروان).
۲۲. اول اندیشه و انگهی گفتار (سعدی).
۲۳. پر و بال مرغ جان‌ها همت است (عطار).